

سفر آقای دکتر آهنی به یونان

آقای دکتر آهنی معاون آموزش و پژوهش در تاریخ ۱۰-۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ طی دیداری دو روزه از یونان با مقامات آن کشور از جمله مدیرکل مؤسسه مطالعات دموکراسی کارامانلیس، نائب رئیس پارلمان، دبیرکل وزارت خارجه، رئیس و اعضای مؤسسه مطالعات استراتژیک و توسعه ایستامه، دبیرکل سابق وزارت خارجه از حزب پاسوک به عنوان وزیر خارجه در سایه، رئیس حزب لائوس ملاقات و با توجه به دعوت مؤسسه ایستامه، در جمع مسؤولان مؤسسه و تعدادی از نمایندگان پارلمان یونان، اساتید، پژوهشگران و ارباب جراید سخنرانی نمود و به سؤالات آنان پاسخ داد. در این دیدارها سیاست خارجی ایران در منطقه و در سطح بین‌المللی تشریح و به ویژه به مسائل افغانستان، عراق، پاکستان، کشورهای عرب منطقه، روابط ایران و آمریکا، فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان، بحث انرژی و جایگاه ایران در این زمینه پرداخته شد. متن سخنرانی ایشان در مؤسسه یادشده تحت عنوان واقعیت‌های نوظهور منطقه‌ای و جایگاه جمهوری اسلامی ایران بقرار ذیل می‌باشد:

مؤثری در تعاملات سیاست و فرهنگ جهانی و مناطق
پیرامونی مشترک عهده دار شوند.

با اغتنام این فرصت، ابتدا تلاش خواهم نمود تا
تصویری از واقعیت‌ها، بحران‌ها و مسائل حوزه‌های
پیرامونی کشورم که به نوعی همسایه بلافصل اروپا نیز
محسوب می‌شود، ارائه و آنگاه به نحوی گذرا و اجمالی،
دیدگاه‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در این
زمینه را شرح و تبیین نمایم.

حوزه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران (خلیج
فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه قاره هند) که
از دیرباز حوزه تعاملات تمدنی و فرهنگی ایرانیان نیز بوده
است، اینک در کانون ژئوپولیتیک جهانی قرار گرفته و از

بسیار خرسندم که امروز این فرصت گرانبها برای اینجانب
مهیا گردید تا در این مؤسسه مهم یونانی حضور یافته و به
ایراد سخن و گفت و شنود با شما صاحب نظران و
فرهینختگان بپردازم. از این رو، مایلیم از مسؤولان محترم
مؤسسه ایستامه برای تهیه مقدمات این نشست، صمیمانه
قدردانی نمایم.

نشست امروز در یکی از کهن‌ترین کشورهای
اروپایی برگزار می‌شود که دارای روابطی دیرین با ایران
می‌باشد. ایران و یونان دو نماینده تاریخی شرق و غرب
جهان محسوب می‌شوند. بدیهی است دو کشور با نظر
داشت تجربه‌های تاریخی می‌توانند در دوران جدید نقش

موقعیت محوری در صحنه بین‌المللی برخوردار شده است. افول قدرت و اقتدار آمریکا پس از جنگ عراق و بن بست استراتژی‌های دیگر قدرت‌های غربی، همزمان با ظهور دیگر بازیگران و قدرت‌های مهم در این حوزه، آرایش صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی را دچار تحول ساخته است. این حوزه ژئوپولیتیک اکنون در حال گذار به نظم سیاسی جدیدی است که در آن نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران همانند نقش سایر قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باز تعریف خواهد شد.

با افول نظم پیشین، ساز و کارها و ذهنیت‌های ملهم از آن (یعنی رویکرد سنتی توازن قوا و تقویت قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و تهدید جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران) نیز دستخوش تغییر گردیده است. به طوری که مدیریت بحران‌های منطقه‌ای بدون توجه به نقش اثر گذار ایران میسر نخواهد بود. نفوذ و پیوندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای حوزه پیرامونی، جمهوری اسلامی ایران را به شریک طبیعی کشورهای منطقه تبدیل نموده است.

به رغم تصویرسازی‌های منفی و غیرواقعی از سیاست خارجی متعارف جمهوری اسلامی ایران توسط برخی قدرت‌ها طی سه دهه گذشته و تبلیغ کردن تعبیری مانند "هژمون ایران بر منطقه"، "احیای امپراتوری پارس" و "هلال شیعی"، سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی ایران این واقعیت را نشان داده است که ماهیت قدرت ایران سلطه‌جویانه نبوده و جمهوری اسلامی ایران قدرت و اقتدار خود را در خدمت توسعه، عدالت، صلح، فرهنگ، اخلاق، آزادی، ثبات و امنیت منطقه و جهان قرار داده و متناسب با وزن و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود همواره با مسؤولیت‌پذیری به عنوان بازیگری ثبات بخش در تحولات منطقه‌ای رفتار نموده است. به عبارت

دیگر، جمهوری اسلامی ایران جاه‌طلبی‌های سلطه‌محور منطقه‌ای ندارد بلکه قدرت طبیعی این حوزه مهم جغرافیایی محسوب می‌شود.

ایران به عنوان یک قدرت اثرگذار این حوزه مهم بر سر چهار راه حیاتی اتصال شرق به غرب قرار گرفته و جزیره ثبات در منطقه‌ای محسوب می‌شود که طی دهه‌های گذشته روی آرامش ندیده است. جنگ‌های خلیج فارس، بحران افغانستان، مناقشه خاورمیانه، اشغال عراق، بحران‌های قومی در حوزه شوروی سابق، تجهیز هند، پاکستان و اسرائیل به سلاح هسته‌ای و بالاخره، تهاجم نظامی و سیاست‌های زورمدارانه آمریکا، منطقه ما را به بحرانی‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جغرافیایی جهان تبدیل ساخته است.

بخش قابل توجهی از عوامل این بی‌ثباتی و بحران، حاصل سیاست‌ها و اهداف بازیگران خارج از منطقه بوده است. عوامل فرامنطقه‌ای، با امنیتی سازی معادلات این حوزه، هم در شکل‌گیری ریشه‌های بحران و ناآرامی در منطقه و هم در تشدید و تداوم بحران‌ها نقش داشته‌اند و غالباً با دامن‌زدن به اختلافات و حساسیت‌ها و تهدید جلوه دادن کشورهای منطقه برای یکدیگر، مانع شکل‌گیری فضای تفاهم و سازوکارهای بومی اعتمادساز و ثبات بخش شده‌اند.

تحولات سال‌های اخیر منطقه مانند وخامت اوضاع در منطقه خاورمیانه، نسل‌کشی کودکان و زنان فلسطینی و جنایت علیه بشریت، تشدید افراط‌گرایی و تروریسم و چند برابر شدن تولید موادمخدر در افغانستان و آینده نامعلوم این کشور و دردها و رنج‌هایی که مردم عراق در طول سال‌ها اشغال تحمل کرده‌اند، از این نکته حکایت دارد که رویکرد برتری‌جویانه و منفعت‌طلبانه قدرت‌های

فرامنطقه‌ای در قبال دیگران و نادیده گرفتن حقوق آنها، ناکارآمدی خود را به وضوح نشان داده است.

بدیهی است، استقرار صلح و ثبات، بدون بازنگری و تغییر در این رویکرد و رفتارهای ناشی از آن میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر، واقع بینی، ترک ادبیات زورمحور، چشم پوشی از نگرش مبتنی بر دیکته کردن سیاست‌های یکجانبه و یکطرفه، توجه و احترام به دیدگاه‌ها و حق طرف‌های مقابل و همچنین تعامل، دیالوگ و تفاهم عدالت محور با دیگران، زمینه ساز برون‌رفت از بحران سیاسی بین‌المللی حاکم بر این حوزه حیاتی جهان می‌باشد.

از سوی دیگر باید پذیرفت که معادلات و واقعیت‌های صحنه جهانی نیز دستخوش تغییرات مهمی شده است. بدیهی است آنان که خود را با واقعیت‌ها و شرایط نوظهور روابط بین‌الملل تطبیق ندهند، به حاشیه رانده خواهند شد. در این شرایط، واقع‌گرایی، تلاش برای فهم نظرات و حساسیت‌ها و ارج نهادن به حقوق ملت‌ها، کنار گذاشتن استانداردهای دوگانه در همه عرصه‌ها به عنوان ابزاری منسوخ و مخرب و آمادگی برای پیشبرد امور براساس محور عدالت و همفکری و مشارکت واقعی با دیگران، کم هزینه‌ترین و عملی‌ترین راه در نیل به شرایط مطلوب خواهد بود.

اینک مایلیم با اشاره‌ای گذرا به برخی از سرفصل‌های اصلی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات جاری منطقه‌ای، نقش موثر دیپلماسی ایران در حل و فصل بحران‌ها و تنش‌ها و استقرار ثبات و آرامش در منطقه از جمله در عراق، خاورمیانه و افغانستان را یادآور گردم.

در خصوص عراق، به طور طبیعی جمهوری اسلامی ایران به دلیل همجواری، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و

مذهبی ارتباط نزدیکی با مردم این کشور داشته و متقابلاً هر گونه تغییر و تحول در عراق بر امنیت و حتی تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران تأثیر خواهد گذاشت. بر این اساس، تحولات عراق همواره با حساسیت از سوی ایران تعقیب شده است. ما تهاجم امریکا به عراق را امری فاقد مشروعیت و به مثابه اشغال یک کشور مستقل تعبیر کردیم.

با این حال، از ابتدا و با هدف کمک به برقراری ثبات و آرامش در این کشور و کاستن از رنج مردم، مساعدت‌های زیادی به دولت قانونی این کشور به عمل آورده و در این جهت به درخواست دولت عراق در مذاکرات سه جانبه با حضور امریکا نیز شرکت کردیم. اساس سیاست ما در عراق بر برقراری ثبات، حفظ تمامیت ارضی و نهادینه شدن روندهای دموکراتیک، خروج نیروهای نظامی اشغالگر و سپردن امور به دولت و ملت عراق استوار می‌باشد.

بحران فلسطین به مثابه زخمی عمیق بر پیکر منطقه همچنان لاینحل مانده است. به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران، مهمترین دلیل تداوم این بحران، عدم توجه به حقوق ملت مظلوم فلسطین و اعمال نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تاثیرگذاری یکطرفه در جهت منافع رژیم صهیونیستی است. حاصل چنین شرایطی، بن بست در حل و فصل بحران، شکست گفتگوهای اعراب و رژیم صهیونیستی و گسترش ناآرامی در منطقه است. به اعتقاد ما هر گونه تلاش یک جانبه که متضمن رعایت منافع و مواضع تمامی مردم فلسطین نباشد به شکست منتهی خواهد شد. ناکامی طرح‌هایی نظیر "خاورمیانه بزرگ" و نشست‌هایی نظیر آنابولیس را نیز در این چارچوب باید تحلیل نمود.

با کمال تأسف ناچارم تأکید کنم که به دلیل سیاست‌های غلط و تبعیض‌آمیز در قضیه فلسطین، منطقه به سوی یک جنگ دائمی سوق پیدا کرده و آینده مبهمی در انتظار آن است. راه حل پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران، بازگشت تمامی آوارگان فلسطینی به سرزمین‌های اشغالی و برگزاری یک همه‌پرسی برای انتخاب نظام حکومتی با حضور تمامی اتباع مسلمان، مسیحی و یهودی است.

درخصوص افغانستان نیز جمهوری اسلامی ایران با توجه به همجواری و مشترکات فراوان بین دو ملت ایران و افغانستان، تمامی توان خود را برای استقرار صلح و ثبات در این کشور به کار گرفته است. واقعیت این است که امنیت، آرامش، توسعه و ثبات افغانستان در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

در دوره حاکمیت طالبان، علاوه بر شهادت جمعی از دیپلمات‌های ایران در مزارشریف، مرزهای شرقی ما از امنیت لازم برخوردار نبود. کاشت مواد مخدر و تلاش قاچاقچیان برای عبور محموله‌های مواد مخدر از داخل خاک ایران و ارسال آن به اروپا شرایط دشواری برای ما ایجاد کرده و هزینه‌های گزاف انسانی و مادی بر ما تحمیل کرده است.

بر این اساس، حمایت از دولت ملی و مستقل در افغانستان، مخالفت با افراط‌گرایی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر از محورهای عمده سیاست ایران در قبال بحران افغانستان است. اعتقاد داریم که حضور نیروهای ناتو در افغانستان نه تنها تاکنون نتوانسته دستاوردهای مورد نظر را محقق نماید بلکه بر پیچیدگی اوضاع نیز افزوده است. قدرت‌گیری روزافزون طالبان گواه بر چنین مدعائی است. به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران، ریشه تمامی این بحران‌ها، ناشی از عدم فهم و شناخت درست از منطقه و

واقعیت‌های آن می‌باشد. مادامی که قدرت‌های خارج از منطقه به ویژه امریکا واقعیت‌هائی نظیر افزایش آگاهی‌های عمومی و موج جدید و اصیل اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در منطقه را عمیقاً درک نکند، چالش‌های منطقه ادامه یافته و ابعاد آن وسیع‌تر خواهد شد.

ملت‌های مسلمان با تکیه بر ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن تاریخی خود دیگر حاضر نیستند در نظام تحت سلطه غرب قرار گرفته و تابعی از این سیستم محسوب شوند. نکته قابل ذکر آن است که کشورهای غربی، مقاومت ملت‌های اسلامی را تروریسم قلمداد نموده و بدین گونه سعی در فرافکنی و تغافل از واقعیت‌های منطقه دارند.

اهمیت ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک مناطقی که جمهوری اسلامی ایران در مرکز آن قرار دارد، موجب شده است تا این حوزه در پی بازیابی جایگاه واقعی خود در نظام جهانی باشد. این واقعیت بایستی مورد توجه قرار گرفته و به جای اعمال سیاست‌های مداخله جویانه، به دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌های ملت‌های منطقه احترام نهاده شود.

تردید نیست که آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه با توجه به نزدیکی جغرافیائی و اتکای اروپاییان به انرژی و بازارهای منطقه، از اهمیتی استراتژیک و ژئوپولیتیک در روابط خارجی اروپا برخوردار می‌باشند. با وجود این، کشورهای اروپایی هنوز نتوانسته‌اند از سیاستی مستقل، متمایز و متوازن در این حوزه‌ها پیروی نمایند. به نظر می‌رسد، تکرار نقش آمریکا از سوی اروپا، نه تنها افقی روشن فرا روی اروپاییان ترسیم ننموده بلکه بیش از پیش اروپا را به حاشیه خواهد راند.

به هر روی، نظر به این که نقش و جایگاه بین‌المللی آتی اروپا به نحوه تعامل با این مناطق گره خورده و

جمهوری اسلامی ایران نیز با برخورداری از موقعیتی ممتاز، بازیگر مستقل، باثبات و مطمئن این حوزه محسوب می‌شود، رایزنی‌ها و همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و اروپا نقش مؤثری در ارتقاء تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت. اگرچه اتحادیه در حال حاضر با سیاسی سازی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری

اسلامی ایران خود را از فرصت همکاری با ایران محروم ساخته است.

در پایان با تشکر مجدد از مسؤولان مؤسسه ایستامه برای فراهم کردن این فرصت، از توجه و حوصله شما سپاسگزاری می‌نمایم.